

The Darulshafa of Astan Quds Razavi: A Pioneer in Women Treatment

ARTICLE INFO

Article Type

Historical Research

Authors

Karimian A.* MSc

How to cite this article

Karimian A. The Darulshafa of Astan Quds Razavi: A Pioneer in Women Treatment. Sarem Journal of Reproductive Medicine. 2017; 1(1):21-28.

*Sarem Cell Research Center (SCRC), Sarem Women's Hospital, Tehran, Iran

¹Medicine Department, Medicine Faculty, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Correspondence

Address: Sarem Women's Hospital, Basij Square, Phase 3, Ekbatan Town, Tehran, Iran. Postal Code: 1396956111

Phone: +98 (21) 44670888

Fax: +98 (21) 44670432

ali_karimian_2011@yahoo.com

Article History

Received: August 21, 2015

Accepted: December 24, 2015

ePublished: February 15, 2017

ABSTRACT

Introduction Evidence indicates that it has long been considered public health and the observance of pilgrims and the poor people near the Haram of Imam Reza, sometimes it was called "Darulshafa", and the founders were those good people who were trying to provide as much as possible the facilities for the welfare of sick and poor people.

Conclusion In Teimori period, Goharshad Khatun founded a Darulshafa nearby the Haram at the time of establishing the Goharshad Mosque. In addition, in Safavieh period there used to be other Darulshafa which received several devotions which the most apparent one was Atighi devotion. In Afshar period, Adelshah repaired Imam Reza Darulshafa and devoted part of his property to it. In Ghajarieh period, Mirza Jafarkhan Moshiroldoleh founded a new type of Darulshafa. After the First World War, Dr. Amir Alam in his trip to Mashhad by presenting a report to Ahmadshah, took action to fundamental reforms in the organization and income of Darulshafa. He also intended to isolate the male and female section of Darulshafa completely. In 1933, Imam Reza Hospital was established by Mohammad Ali Asadi and its second head of the hospital was Professor Hammer Shelak who himself was a obstetrician. Since 1937, the Nursing School was established under the supervision of foreign nurses in this hospital until it was handed over to Iranian nurses in 1941. Now Astan Quds Razavi by having 1048 endowments is one of the biggest endowments in Islamic world.

Keywords Darulshafa; Astan Quds Razavi; Women; Imam Reza Hospital

CITATION LINKS

[1] Hospital and Dar al-Shafa in the holy shrine of Razavi in the historical mirror [2] Javid Armaghan, or life of the nestes of Dr [3] History of Iran's Hospital (from beginning to today) [4] Iran under the Safavavids [5] Razavi Guest house from Safavid to Ghajar Period (Volume I) [6] National library and archives of Iran. Accession No. 23525 [7] Dastoor Al Molouk Mirza Rafia [8] Dastoor Al Molouk Mirza Rafia va Tazkarat Al Moluok e Mirza Samiea [9] Dehkhoda Dictionary (Volume I) [10] Landlord and peasant in Persia [11] The face of the sacred endowment Astan Moghaddas Samen Alaemah Ali Ibn Musa al Reza [12] Terminology of law [13] Matla Al Shams [14] Presentation of Shrine documents and associated places in the Qajar period [15] Ferdows al tavarikh [16] Permanent memories: Astan Quds dar al Shafa narrates the documents [17] Treatise on research on the crossroad [18] Story of the Nawab Toluity of the magnificent Astan Quds Razavi [19] Orduye Homayouni newspaper [20] Khorasan travel newspaper [21] Azadi histoty [22] Seyf Al Doleh travelogue [23] Memories of Hajj Sayyah [24] Second travelogue of Khorasan [25] Orduye Homayoon newspaper [26] Khorasan trip newspaper with Naser Al Din Shah [27] Iran newspaper [28] Khurasan and Sistan [29] Mashhad from the tourists' view from 1600-1914 [30] Adab newspaper [31] Foyoozat: Head of the office of the endowment on endowments [32] A look at Waqf and its economic and social effects [33] Astan Quds Razavi foundation after mashroote revolution [34] A Look at traditional medicine in the Dar ul Shafi Astan Quds Razavi in the Safavid age (Review of the seven days of the documents of the Darwāla Shafa) [35] Sina hospital in history [36] Mashhad city guide [37] Mirdamad grave (View from old Mashhad) [38] Asadi house and Goharshad Ghiyam [39] National library and archives of Iran. Accession No. 293001905 [40] Astan Quds Razavi in documents

دارالشفای آستان قدس رضوی پیشگام در درمان زنان

علی کریمیان * MSc

مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: قراین و شواهد بیانگر آن است که از دیرباز توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال بیماران فقیر و زوار در جوار ملکوتی امام رضا^(ع) جایگاهی داشته که گاهی با عنوان "شفاخانه" و زمانی "دارالشفای" نامیده می‌شد و بانیان آن اشخاص نیکوکار و پاک‌سیرتی بودند که درصد بودند در حد وسیع خود امکاناتی را برای رفاه احوال مرضا و درمان‌گاران زوار فراهم آورند.

نتیجه‌گیری: در دوره تیموری، گوهرشادخاتون در زمان تاسیس مسجد گوهرشاد، در جوار حرم، دارالشفایی نیز ساخته بود. در دوران صفویه نیز دارالشفاهایی وجود داشت که موقوفات متعددی دریافت می‌کردند که یکی از واضح‌ترین آنها، موقوفات عتیقی بود. در دوره افشار، عادل‌شاه دارالشفای امام رضا^(ع) را تعمیر و تکمیل نمود و مقداری از املاک خود را وقف آن مکان شریف کرد. در دوره قاجاریه، میرزا جعفرخان مشیرالدوله، نوع جدیدی از دارالشفای را تاسیس کرد. پس از جنگ جهانی اول، دکتر امیراعلم در سفر خود به مشهد با ارایه گزارش به احمدشاه، برای اصلاحات بنیادی در سازمان و درآمد دارالشفای اقدام نمود. همچنین او درصد بود بخش مردانه و زنانه دارالشفای را کاملاً از هم مجزا نماید. بیمارستان امام رضا^(ع) در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی توسط محمدعلی اسی تاسیس شد و رئیس دوم بیمارستان پروفیسور هاجر شلاک بود که خود یک متخصص زنان و زایمان بود. از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، آموزشگاه پرستاری زیر نظر پرستاران خارجی در این بیمارستان تشکیل شد تا اینکه در سال ۱۳۲۰ شمسی، آن را به پرستاران ایرانی واگذار کردند. اکنون آستان قدس رضوی یکی از بزرگترین موقوفات جهان اسلام است.

کلیدواژه‌ها: دارالشفای، آستان قدس رضوی، زنان، بیمارستان امام رضا^(ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۰۳

*نویسنده مسئول: ali_karimiyan_2011@yahoo.com

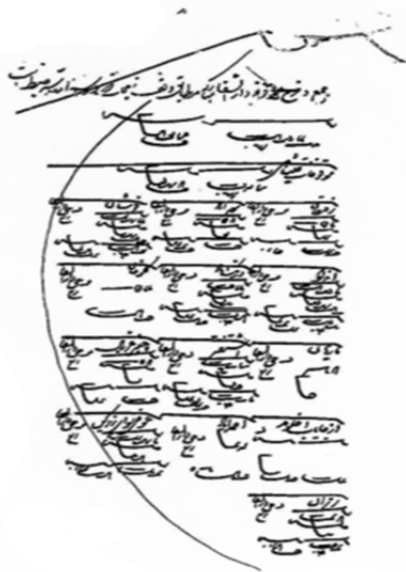
مقدمه

تاریخچه دارالشفای

گویا گوهرشادخاتون، همسر شاهرخ تیموری (۸۵۰-۸۰۷ هجری قمری) که مسجد گوهرشاد را بنا کرد، در جوار حرم، دارالشفایی نیز ساخته بود که تاریخ بنای آن معلوم نیست^[۱]. در عهد سلاطین صفویه تقریباً اکثر شهرهای ایران، دارای مریض‌خانه‌هایی موسوم به "دارالشفای" بودند^[۲]، به‌خصوص در دوره شاهطهماسب اول، محلی به نام دارالشفای وجود داشته است که در آنجا به مداوای بیماران می‌پرداخته‌اند^[۳]. در تمام این دارالشفاهای تدریس طب هم می‌شد و بخش‌هایی نیز برای زنان بنا کرده بودند^[۲]. علاوه بر دارالشفای، داروخانه‌های مرتبی وجود داشته است و طبیبی خارج از دارالشفای به طبابت اشتغال داشتند^[۴]. به‌موجب وقف‌نامه‌ای که در سال ۹۳۱ هجری قمری (۹۰۳ هجری شمسی) نوشته شده است، عتیق علی بن احمد بن ملک اسمعیل طوسی‌الاصل اردوبادی المنشأ، موقوفاتی را که در آن عصر، موسوم به موقوفات عتیقی بوده، بر آستانه وقف کرده است^[۵]. این وقف‌نامه مشروط بر آن بوده است که از درآمد موقوفات، سهمی به مصرف مرضای فقیر برسد (تصویر ۱). منجم‌باشی که مدتی تولیت آستان قدس را عهده‌دار بود، درباره سهم دارالشفای از این موقوفه می‌نویسد: "موقوفات خاصه که در عهد خان مغفور مرحوم، به توسط حقیر رتق و فتق می‌شد و به مصارف می‌رسد، طبق وقف‌نامه‌جات آنها به

قراری است که قلمی شده در ذیل و ظهیر: ... موقوفات عتیقی مزارع متعدده است که در دفتر مبارکه و وقف‌نامه‌چه آنها ثبت است، حاصل آنها در این سنوات تخمیناً ۱۳۰۰ خروار غله می‌شود که باید به سه حصه قسمت شود: یک حصه، صرف سوخت حرم مبارک شود، یک حصه صرف مرضای غربای دارالشفای شود، یک حصه هم صرف اطعام فقرا و مساکین صادرین و واردین شود و تولیت آنها با اولاد است، که الان میرزا سلیمان است، لیکن به توسط کارکنان سرکار فیض‌آثار رتق و فتق باید بشود و می‌شده و معمول در زمان خان مرحوم این‌طور بود که در ایام هجوم زوار که شام مطبخ کفایت آنها نمی‌کرده، نان و خورش به هر کس فراخور حالش داده می‌شد که صرف خود می‌کرد"^[۶].

چنانچه از منابع و مآخذ تاریخی و تذکره‌های دوره صفویه برمی‌آید، اطبا در عصر صفویه همچون ادوار گذشته، از منزلت والایی برخوردار بودند؛ آنان اغلب از مشاوران شاه بودند و گاهی نیز به مقام بالای وزارت می‌رسیدند. در زمان صفویه حکیم‌باشی^[۷] مقام مهمی در دربار بود^[۴]. "عالم‌آرای عباسی" تالیف اسکندر بیگ ترکمان، از طبیب و حکیمی که در آستانه مبارکه، بیماران را معالجه می‌کرد، نام برده است. او در مورد طبیب نام‌برده و ارادت خاندان صفویه به آستان قدس رضوی می‌نویسد: "حکیم عمادالدین محمود که در علم و حکمت و دانشوری و حذاقت مشهور آفاق بوده، رسالات مرغوب و نسخه‌های غریب از او در علم طب و ترتیب معالجات و معالجه امراض مزمنه و موارد حاره خصوصاً جرب صغیر و کبیر (بیماری پوستی مسری، ناشی از رشد انگلی خاص در نقاط مرطوب پوست مانند کشاله ران که باعث خارش شدید می‌شود) که بین‌الجمهر به آتشک مشهور است، معتمد علیه اطبا است تا آنجا که گوید: "چون شاه جنت‌مکان در رواج و رونق آستانه مقدسه حضرت امام‌الجن و الانس به اقصی‌الغایه توجه مرعی داشته، از هر طبقه آنچه بهتر بود، به خدمات آن سرکار تعیین می‌فرمودند، او نیز به طبابت سرکار فیض‌آثار مامور گشته، مدت‌ها در مشهد مقدس معلی، به معالجه مرضی مشغولی داشت، و الحق جامع صفات و کمال و زبده اصحاب گزیده و ارباب افضال بود"^[۷].



تصویر ۱) سند مربوط به موقوفاتی که به مصرف تأمین هزینه‌های دارالشفای می‌رسیده است

مزبور رسانیده، نسخه بر کمیت و کیفیت آن درست داشته به دفترخانه همایون رسانند^[11].
 اخراجات: "بیماران اغذیه و ادویه و معالجین و غیره اخراجات مرضا که به تجویز و تصدیق طبیب دارالشفای سرانجام ساخته، هر روزه از قرار نسخه به خط و مهر طبیب و اطلاع او به مصرف بیماران رسیده، مشرف سررشته آن را در آخر هر ماه به اطلاع عالیجاه متولی و عالیشان ناظر مستوفی سرکار موافق سررشته مشرف که به مهر عالیجاه متولی و ناظر رسانیده، مفروغ و مفاصاً به مهر وزیر و مستوفی بازیافت نمایند ۲۰۰ تومانی" (جدول ۱ و ۲)^[11].

جدول ۱) مصارف نقدی و جنسی، مواجب اطبا، بیماردار، ناظران اغذیه، ادویه و سایر اخراجات

نقد	جنس
۲۴۰ تومانی و ۵ قران	۶۹ خروار و ۵۰ من
مواجب طبیب و غیره	
۴۰ تومانی و ۵ قران	۶۹ خروار و ۵۰ من
طبیبان	
۲ تومانی و ۵ قران	۴۷ خروار
طبیب به اسم میرزا محمد علی	
۲۰ تومانی	۲۰ خروار
ناظران	
۱۲ تومانی و ۵ قران	۲۷ خروار
آقا رضا	
۷ تومانی و ۵ قران	۱۵ خروار
آقا فاضل	
۵ تومانی	۱۲ خروار
بیماردار و غیره	
۸ تومانی	۲۲ خروار و ۵۰ من
بیماردار	
نقد	۲۰ خروار

جدول ۲) مواجب جراحان دارالشفای

جراح و دلاک	مصارف
جراح مع قیمت مرهم به اسم حاجی یوسف	
مامور	۸ تومانی
۳ نفر و ۱۶ خروار	۲۰ دلک
یک نفر	دو نفر
۸ خروار	۸ خروار
۵۰ من	
دریار	
۴ خروار	

دارالشفای دوره قاجاریه

در اواخر دوره سلطنت فتحعلی شاه، تولید آستانه مقدسه به حاجی میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی مَفُوض شد. برادر قائم مقام مساعی جمیله در این کار خطیر نمود، امر موقوفات را نظمی بسزا داده و در آبادی و مرمت و احیای صدقات جاریه (صدقات جاریه به معنی وقف است)^[12]، کوشش زیادی کرد که از آن جمله می‌توان از خیرات دارالشفای مشهد و مطبخ سرکار فیض آثار که جمعی از غربا و واردین از آن بهره‌مند می‌شوند نام برد^[13].

مشرف در تشکیلات آستان قدس که به معنی ناظر بوده است، بر موقوفات نظارت می‌کرد و معمولاً از قدیم‌الایام همه اماکن و بیوتات مختلف آستان قدس، مثل کارخانه‌های خدای و زواری، دارالشفای و شربت‌خانه، دارای یک ناظر جزء بوده است، که تحت نظر ناظر کل آستان قدس و با تشخیص وی به این سمت منصوب می‌شد^[14]. فردوس‌التواریخ در بیان فعالیت دارالشفای در این عصر

همچنین در بند سوم دستورالعملوک میرزا رفیعا نیز در بیان وظایف متولی روضه رضویه آورده است: "نظم و نسق سرکار فیض آثار از کتابخانه و شربت‌خانه و دارالشفای و مطبخ و عطارخانه و فراش‌خانه و حویج‌خانه و شمعی‌خانه و خبارخانه و ایاغخانه و قصاب‌خانه و هیمه‌خانه و راتبه و شیلان و روشنایی و رخوت و خلاع که بر جماعت مقرر تقسیم شود و تجویز سرکشیکان و خادم‌باشیان و خدمه و حفاظ کلام‌الله و اطبا و منجم و خزانه‌دار و صاحب نسق و فراشان و بخور سوزان و موزنان و دربانان و ایاغچیان علمداران و باغبانان و عمله نقاره‌خانه و بیلدارباشی و همگی عمله کارخانجات و بیوتات عزل و نصب و بازخواست و تنبیه هر یک از اینها و تکثیر و توفیر زراعت و عمارت باغات و حواله و اطلاق و تن‌خواه‌دادن از کارخانجات مزبوره و واجب و مقررری ناظر و مستوفی و سرکشیکان و خادم‌باشیان و همگی منشیان آن آستان ملایک پاسبان با عالیجاه متولی آستانه مقدسه است^[8]". "همچنین در فصل چهاردهم از باب دوم دستورالعملوک رفیعا ضمن بیان وظایف حکیم‌باشی و حدود اختیارات وی، درباره سایر اطبا در دوره صفویه می‌نویسد: "اطبای زمان شاه سلطان حسین، سوای میرزا رحیم (حکیم‌باشی سابق) که مبلغ ۳۴۱ تومانی مواجب همه‌ساله داشته، موازی ۶۸ نفر ملازم دیوان و ۱۷۹۹ تومانی و ۶۳۶۶ دینار در وجه اطبای مزبوره از همه‌ساله و تن‌خواه براتی مقرر بود^[8]".

دارالشفای در عصر افشار

در دوره افشار، عادل شاه برادرزاده نادرشاه افشار دارالشفای مبارکه حضرت رضا^{علیه السلام} را تعمیر و تکمیل نمود و مقداری از املاک خود را وقف آن مکان شریف کرد^[2]. مخارج دارالشفای براساس طومار علیشاه که در رمضان سال ۱۱۶۰ قمری، نگاشته شده و شامل مجموعه رقبات وقفی آستان قدس است، می‌گوید مقصود از دایرکردن دارالشفای، مصارف نقدی و جنسی، مواجب اطبا، بیماردار، ناظران، اغذیه، ادویه و سایر اخراجات باشد (اخراجات به گروهی از مالیات‌ها می‌گویند که برخی دایمی و پاره‌ای به‌طور اتفاقی به تامین هزینه‌های نگهداری عمال و مامورین و خرج سفر آنها از رعایا گرفته شود)^[9]، به تفکیک و به شرح ذیل قید نموده است: "بر ذمه همگی لازم است که مراعات جانب زوار و صادر و واردین آن استان را به‌عمل آورده، نوعی نمایند که غبار ملالی دامنگیر هیچ یک از آنان نشود، تا آنکه پادشاه لم‌بیزال خاتمه احوال هر یک را به خیریت و خوبی منتهی و از دستبرد شحنه سیاست و غضب خسروانی نگهداری می‌نموده باشد و چون از جمله انتظام مهام آن سرکار، یکی رونق دارالشفای مقدس است که همه‌ساله باید ادویه ضروریه از مداخل سرکار خریداری و غذای مرضا نیز از بابت مداخل آن سرکار مهیا و به مصارف بیماران و غُزبایی که خانه و مسکن نداشته باشند یا از بالقوه سرانجام غذا و دوا عاری باشند، می‌رسیده باشد و در سنوات سابقه از قرار محاسبات سرکار فیض آثار که مستوفیان عظام کرام به نظر همایون ما رسانیده تا مساوی ۹۴ تومانی برای اخراجات دارالشفای و مواجب طبیب و جراح و غیره مامورین آنجا و چون خاطر خطیر بندگان اقدس اعلی، متعلق به مراعات عجزه و مساکین بوده، مقرر فرمودیم که مبلغ مزبور را ضمیمه باقی مداخل موقوفات سرکار فیض آثار و به مصارف سرکار مذکور رسانند و از اخراجات دارالشفای مبارکه را مقرر فرمودیم که بدین موجب مشخص و هر ساله از بابت ۱۰۰ زوج املاک خالصه قدیم (به زمین‌های اربابان می‌گفتند که میان دهقانان تقسیم نمی‌کردند و خود راس آن را زراعت می‌کردند)^[10] که در این وقت وقف سرکار فیض آثار فرموده‌ایم، عالیجاه متولی و ناظر و باقی عمال سرکار فیض آثار موافق دستور و معمول آن سرکار به مصارف

جعفرخان در عهد تولیت خودش در خیابان بالا، دارالشفای خوبی ساخته است"^[22].

حاج سیاح نیز در شرح سفر خود به مشهد در ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ قمری، ضمن انتقاد از مصارف موقوفات و اوضاع بهداشتی مشهد، درباره دارالشفای می‌نویسد: "اگر آن چه از املاک مقرر شده که منافع آنها سالیانه به مدارس مجانی و مریض‌خانه و مهمان‌خانه و سایر آنچه واقفین شرط کرده‌اند خرج شود، یک سمت ایران از ویرانی خارج می‌شد. اگر آن مقدار منافع که متعلق به آن حضرت است موافق مقصود صاحبان مال و رضای خداوند متعال بر تربیت ایتم و اولاد فقرا و تعلیم ایشان و دستگیری فقرا و معالجه مریضان صرف شود، خراسان گلستان می‌شود، لیکن افسوس! افسوس! صد هزار افسوس! اولاً: اگر مثلاً منافع املاک ۵۰۰۰۰۰ تومان باید عاید کند، صد هزار هم نمی‌دهند. حالت بیان سبب را ندارم. ثانیاً: از این قدر منافع و ثروت لااقل هزار یک بلکه صد هزار، یک به ممر خیر و حق و احسان و مقصود واقفان خرج نمی‌شود، یعنی یک تومان هم به مصرف صحیح نمی‌رسد. ثالثاً: کاش اصلاً نبود و خرج نمی‌شد، بدبختانه هر مبلغی از آن به یک ممر فسق و فجور و فساد و شرارت صرف می‌شود و از آن وجوه، اشرار گردن‌کلفت و تنبلان می‌خورند و می‌گویند این قدر وجه کفایت نکرده، حضرت قرض هم دارد و باید دانست که شاه و نه وزیر و نه متولی و نه کسی می‌تواند جلوگیری از این فساد فاحش حیف و میل کند"^[23]. در صفحات بعدی حاج سیاح در این باره یادآور شده است: "هر چه به دخل خدام و جلال ظاهری و دخل دارد محفوظ، هر چه فایده و معنویت دارد اصلاً وجود ندارد. مثلاً مدرسه معمولی نیست، مریض‌خانه خراب و ابداً معالجه در کار نیست"^[23].

ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۰ قمری برای بار دوم عازم خراسان شد، سفرنامه او چاپ شده و در دسترس است. وی در روز یکشنبه ۱۵ شوال سه ساعت به غروب مانده، از دارالشفای بازدید کرده است و در این مورد می‌نویسد: "دارالشفای حضرت سپرده به شیخ‌الرییس ابوالحسن میرزا بود و ایشان از جانب خود محمد هاشم میرزای معین‌التولیه برادر خود، سپرده است. مشارالیه‌ها هر دو حاضر بودند، اجزا و عمله دارالشفای و اشخاصی که در آنجا حاضر بودند همه معرفی شدند. دارالشفای صحن کوچک با دو اتاق دارد که مریض‌ها را در آنجا خوابانده‌اند، چند نفری مریض بودند؛ قدری توی حیاط گردش کردیم، اطبای حافظ‌الصحة و اطبای ملتزم رکاب ما هم از قبیل: حکیم‌باشی طولوزان و ملک‌الاطبا و شیخ‌الاطبا و میرزا زین‌العابدین‌خان و غیره حضور داشتند، بعد از تماشا از دارالشفای بیرون آمده، پیاده به حرم رفتیم"^[24].

طی این سفر روزنامه‌ای تحت عنوان "روزنامه اردوی همایون" چاپ و منتشر می‌شد که وقایع و اخبار روزانه را در آن درج می‌کردند. ذیل اخبار روز یکشنبه ۱۵ شوال ۱۳۰۰ قمری به بازدید ناصرالدین‌شاه و همراهان او از دارالشفای پرداخته و می‌نویسد: "... از اینجا سرکار فیض‌آثار تشریف فرما گشته، تمام اطبای رکابی و اطبای مریض‌خانه و مشهد حاضر بوده، آنجا را با کمال نظم و انتظام ملاحظه و مشاهده فرمودند. ریاست مریض‌خانه به عهده شاهزاده شیخ‌الرییس و محمد هاشم میرزای معین‌التولیه برادر شیخ‌الرییس محول است، هر دو حاضر و مورد مراجع ملوکانه شده، از آنجا به زیارت آستانه مطهره مشرف گشتند"^[25]. در تایید این اخبار، میرزا قهرمان امین لشکر نیز که در این سفر از همراهان شاه بود، در شرح سفرش آورده است: "اعلی‌حضرت همایونی امروز از منزل نواب والا رکن‌الدوله به دارالشفای، مریض‌خانه که سپرده به

می‌نویسد: "... از آن جمله یکی دارالشفای مبارکه است که همیشه جمعی در آنجا به ساختن دوا و غذا مشغولند که رنجوران و مریضان از غربا و زایران و مجاورین ارض فیض اقدس به دستگیری کارکنان زکی از اطبای حاذق و جراح و کحال (چشم‌پزشک) و پرستار و نگهدار معین بوده، در حفظ صحت آن می‌کوشند و استعلاج ایشان را از دوا و غذا داده، از شفاخانه (یا من اسمه دوا و ذکره شفا) شفا یابند"^[15]. بنای دارالشفای را میرزا سید جعفر مشیرالدوله (مهندس‌باشی) و میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس‌باشی) که در سال ۱۲۸۷ قمری به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد، ساختند. این کار یکی از اقدامات مهم مشیرالدوله در دوره تولیت، بنای دارالشفای بود^[16]. از این رو ابتدا به بنای این دارالشفای و پس از آن به اوضاع دارالشفای به اختصار نظری خواهیم انداخت.

همچنان که ذکر شد، یکی از خدمات میرزا جعفرخان مشیرالدوله در آستان قدس، ساختن درب تفرقه، برای رواق دارالسعاده^[17] و بنای بیمارستانی نو برای آستان قدس (درمانگاه رازی فعلی) در خیابان علیا (بیمارستان سابق واقع در بازار، روبه‌روی درب مسجد جامع گوهرشاد) بود و جایگاه آن امروز معروف به سرای ناصری است. بر سنگ سردر این دارالشفای در کتیبه‌ای آمده است: "عمرش وفا به اتمام نکرد؛ از این عبارت معلوم می‌شود بنای ساختمان در حیات خود مشیرالدوله (وفات در جمادی‌الثانی ۱۲۷۹) به اتمام نرسیده است. حسب الوصیه، فرزند او محمدصادق‌خان از مال شخصی آن مرحوم این بنا را به اتمام رسانید"^[18].

در سال ۱۲۸۴ قمری، روزنامه اردوی همایون که در زمان سفر اول ناصرالدین‌شاه به خراسان چاپ و منتشر می‌شد، ضمن برشمردن اجزای تشکیلات آستان قدس رضوی از جمله: سقاخانه، شربت‌خانه، مطبخ، مسجد گوهرشاد، کفش‌کن، ایوان‌ها، صحن‌ها و درها و سایر ابنیه، از دارالشفای آستان قدس رضوی نیز گذرا یاد کرده و نوشته است: "دارالشفای در خیابان علیا و مهمان‌خانه زوار در خیابان علیا، مهمان‌خانه اعیان در خیابان سفلی واقع است"^[19]. علی‌نقی حکیم‌الممالک که در این سفر همراه ناصرالدین‌شاه بود، خاطرات این سفر را به رشته تحریر در آورده است؛ خوشبختانه این نوشته‌ها در سال‌های بعد با عنوان "روزنامه سفر خراسان" به طبع رسید. حکیم‌الممالک ضمن بیان وقایع روزانه، در ذیل وقایع غره ربیع‌الاول ۱۲۸۴ قمری که به بازدید شاه از دارالشفای پرداخته است، می‌نویسد: "... در بازدید از حرم مطهر ابتدا به دارالشفای جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیرالدوله است تشریف برده، وضع باغچه‌ها و حجرات مرضا و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه‌جات مریض‌خانه مقبول طبع ملوکانه گشته و مبلغی به خدام و مستحقین دارالشفای به رسم انعام احسان فرمودند و از آنجا داخل صحن متبرکه گشته، اول به زیارت آستان امامت تشریف جسته...". او در صفحات بعد متذکر می‌شود که در این زمان عامل [کارکنان] دارالشفای مبارکه ۲۳ نفر بوده است که تحت ریاست شیخ ابوالحسن میرزا فرزند محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه ناظر دارالشفای، مشغول به کار بوده‌اند^[20].

سلطان محمد ملقب به سیف‌الدوله، پسر سی‌وهشتم فتح‌علی‌شاه قاجار از زن دلیند شاه، طاووس‌خانم (تاج‌الدوله)، که حکومت اصفهان را در ۱۳ سالگی بر عهده داشت^[21]، یک دهه پس از میرزا جعفر مشیرالدوله (مهندس‌باشی)، یعنی در ۲۴ شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۲۸۸ قمری به تولیت آستان قدس منصوب و عازم مشهد شد. او در خاطراتش از رونق دارالشفای یاد می‌کند: "مرحوم میرزا

و فراخی و تنگی و کوتاهی و بلندی مختلف بودند، برای مریضان مستشفای مقدس دوخته‌اند، بر مهنوج ذیل: لباده: شلوار، قبا از جنس معروف به فاستونی و نیم تابوت.

پیراهن: زیرجامه از متقال بسیار خوب و چلوار
شبکلاه: ابره ماهوت، آستر چیت، چشمان بند به وضع معتاد خراسان

کفش: چتک خراسانی در نهایت راحت و محکم و ظریف

لحاف: چیت، حشوان پنبه

تشک: متقال، حشوان پنبه با ملحفه‌های سفید که بعد از چرک شدن شسته شود.

متکا: چیت، حشوان پنبه با ملحفه‌های چیت که بعد از چرک شدن بشویند.

ظروف: از آوانی مال‌التجاره مسکوکه از آهن می‌سازند و لعابی مانند چینی بر آن می‌زنند.

همه این اشیا در نهایت خوبی و ارزانی و مناسبی مهیا نموده و به امنای دارالشفای مبارکه سپردند، حالا سزاوار است که تشکرات خود را از جناب جلالت‌مأب اجل آقای حاجی نصیرالملک، دام اقباله‌العالی، یک بر هزار آشکار نموده و از صمیم قلب ایشان را دعا کنیم، زیرا که می‌بینیم این مرد نجیب بزرگوار و مسلمان واقعی، در فکر خدمت به این آستان و رعایت مسلمان است. آفرین بر نیت پاک و سرشت عالی ایشان باد. امیدواریم که فدوی در تنقیح و تصفیه آب و هوای مریض‌خانه هم همت بگمارند. چنان‌که در آن مجمع نیز اشارتی کرده و صحبتی از این رانده‌ایم و قرار بر این شد که به توجه ایشان بعدها آب‌های خوش از گوی مردم ناخوش فرو رود و قدغن فرمایند که برای بیماران دارالشفای آب‌انبارهای تمیز و نهرهای پاکیزه آب ببرند. انشاءالله تعالی در موقع خود شرحی نیز از بابت آب‌های مشهد خواهیم نگاشت که جراثیم تمام مرضی‌ها در آب است. همچنین هوای اتاق‌ها که به واسطه تنفس بیماران به‌زودی مسموم و متعفن می‌شود و به اندک زمانی درد مریض از اثر انقلاب آب و هوا به مرض دیگر تبدیل یافته و طیبیان را دچار وسواس و هوا حبس می‌کند...^[30] فلیعبدوا ربّ هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف [سوره قریش، آیه ۳، ۴].

دارالشفای پس از انقلاب مشروطیت

پس از انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۵ قمری، اوقاف ضمیمه معارف شد^[31] و چهار سال بعد از مشروطه، یعنی در سال ۱۳۲۸ قمری/۱۲۸۹ شمسی، قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستترفه تصویب شد. از آن پس مسئولان ادارات معارف در شهرستان‌ها موظف به انجام امور مربوط به اوقاف شدند^[32]. برای امور جاری آستان قدس رضوی نیز در تاریخ ۲۷ ذیقعد ۱۳۲۹ قمری، قانون جداگانه‌ای در هجده ماده و تحت عنوان "قانون موضوعه آستان قدس مبارکه رضویه" وضع شد که ماده دوازدهم آن درباره فعالیت‌ها و وظایف دارالشفاست: "دارالشفای حضرت باید موافق مقتضیات صحیحه علمیه اداره شود. ریاست مریض‌خانه باید از اشخاص مجرب عالم به علوم طبیه، به تصویب وزارت اوقاف باشد. عده مرضا که در مریض‌خانه نگاه‌داری می‌شود، بعد از تعیین و برآورد مصارف، به ترتیب معینه بسته به عایدات است که از موقوفات مختصه دارالشفای حاصل می‌شود" (تصویر ۱)^[33].

دارالشفای زنان

در بررسی مشاغل و مناصب موجود در تشکیلات اداری دارالشفای به نام زنانی برمی‌خوریم که از دوره صفویه تا قاجاریه به شغل بیمارمداری، ایاجچی‌باشی و عزب منصوب بوده‌اند. در اصطلاح اداری

معین‌التولیه پسر مرحوم محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه است، تشریف بردند^[26]. در سال ۱۳۰۲ قمری به دستور آصف‌الدوله، فرمان‌فرمای خراسان، اشخاصی که مبتلا به امراض سوداوی، مُسری، جذام، برص و غیره بودند، از شهر خارج کردند و در قلعه‌ای مخصوص به نگهداری و درمان آنان می‌پرداختند. او در اقدامی دیگر مانع طبابت، جراحی و کحالی اطبای غیرمجبرب شد و افزون بر آن، اطبای حاذقی برای دارالشفای معین کرد که آنان علاوه بر طبابت، باید هفته‌ای دوبار در مجلس حفظ‌الصحه در موضوع رتوس مسایل طبی به گفت‌وگو می‌پرداختند و یکی از وظایف آنان امتحان‌گرفتن از اطبای شهر بود. اطبا تنها با اجازه و امضانامه از این مجلس می‌توانستند به معالجه و طبابت اشتغال نمایند. همچنین نظارت بر کار عطاران و دوافروشان در خصوص بی‌عیبی ادویه و اهتمام در این عمل، تاکید شده بود^[27].

کلنل سی‌بی‌بیت که در سال ۱۸۹۳ میلادی به‌عنوان نماینده ملکه انگلیس، به‌منظور رفع اختلاف با دولت روسیه، بر سر مساله رود کَشک در شمال هرات به ایران آمد و تا دهم فوریه ۱۹۸۷، سرکنسول مشهد بود، مطالبی به ایجاز درباره دارالشفای تقریر کرده است: "درمانگاه یا دارالصحه آستانه که انتظار می‌رود بهترین مرکز درمانی کشور باشد، فقط ۲٪ از درآمد سالیانه را به خود اختصاص می‌دهد و فعالیت آن بسیار کم و محدود و اصلاً می‌توان گفت هیچ است. می‌گویند فقط تعداد معدودی از زوار از امکانات غذایی و دارویی برخوردار می‌شوند، حال آنکه این حق مسلم همه آنان است. افراد زیادی از قبیل آستانه تغذیه شده و امرار معاش می‌کنند و کسر بسیار ناچیزی از درآمد سالیانه آن نیز به امور خیریه و رسیدگی به وضع مسکینان و بهبود حال زوار تخصیص داده شده است. تعداد بسیار کمی هر ساله موفق می‌شوند تا از این امکانات محدود و اندک بهره‌مند شوند"^[28].

عبد‌الغنی میرزایف نیز در سفرنامه "تصویر شهر مشهد و حرم لام‌راضا"، بسیار واضح به تشریح اوضاع دارالشفای یا به قول خودش بیمارخانه حضرت پرداخته و در بیان اهمیت آن آورده است: "از بیمارخانه حضرت که هر ساله ۳۰۰۰ تومان به مصرف ادویه آن مقرر شده، و با ماموران آن حکیم‌باشی و ناظم و طبایخ ادویه بوده‌اند، همچنین منزل بزرگی برای چند زن معین بوده که برای بیماران غذاهایی را که حکیم دستور داده، پخته و برای بیماران می‌برده‌اند. همچنین حجات زیادی با اسباب و وسایل مورد نیاز بیمار فراهم بوده که در مدت استراحت بیمار از آنها استفاده نماید. این بیمارستان زیر نظر آستان قدس بوده و فعالیتش از دیرزمان انجام می‌گرفته و مختص به عصر حاضر نبوده است"^[29].

انجمن رسیدگی احوال و لوازم بیماران دارالشفای

روز جمعه ۱۳۲۵ شهر رمضان المبارک هنگام عصر در شفاخانه اقدس رضوی، انجمنی مخصوص رسیدگی احوال و لوازم بیماران منعقد گشته، بنده نگارنده نیز در آن محفل عالی با کمال شرف دعوت شده، تولیت جلیله عظمی، دامت شرفتها به نفس نفیس در آنجا تشریف داشتند: صفا دیده هاشمیان و فحول امنای آستان مقدس با طیبیان مسیحادم و جراحان هنرمند در صدر و حواشی محفل مجتمع بودند، پاسی بر نگذشت که نمونه ملبوس و مایحتاج جدید را از شعار و دثار و پیراهن و آزار تا کفش و کلاه و بستر خواب و ظروف و آوانی که در آنها غذا و دوا بایستی صرف کنند، به‌نظر رسانیدند. الحق همه آنها را به طوری شایسته و مرغوب ساخته و خریداری کرده بودند که از آن بهتر و مناسب‌تر نمی‌توان تصور کرد. از قرار معلوم سی دست لباس و جامه خواب که بالضروره برحسب اختلاف اندام و سن بیماران در بزرگی و کوچکی

به متصدی بردن مراسلات و پیغام‌های مسئولان به کارکنان دارالشفای عزب می‌گفتند، یا به تعبیر دیگر، اصطلاح عزب را برای کسی به کار می‌بردند که امور دفتری و اداری دارالشفای را انجام می‌داده است. علاوه بر بیماردراری، عزب دارالشفای نیز بر عهده زنان بوده است که در اسناد سال‌های ۱۱۴۰ تا ۱۱۶۱ قمری دیده می‌شود. در سندی مربوط به سال ۱۱۲۹ قمری، سکینه بانو که ادعای خدمت بیماردراری دارد، به خدمت سی‌ساله مادرش در این سمت اشاره می‌کند و می‌گوید با توجه به اینکه مادرش "خانم بانو" سی سال سابقه خدمت دارد، حق موروثی اوست که به این شغل گمارده شود. همچنین زانی مانند زوجه محمدمومن و زوجه میرزامحمد در سال ۱۱۱۸ قمری، فولادآغا زوجه محمدباقر در سال ۱۱۲۴ قمری، و خانم بانو در فاصله سال‌های ۱۱۱۸ و ۱۱۲۴ قمری، به‌عنوان بیماردار مشغول به کار بوده‌اند. سکینه بانو در سال ۱۱۲۹ قمری، خادم زنان بیمار دارالشفای بوده است. در دوره قاجاریه نیز اسناد مربوط به زنان شاغل در دارالشفای وجود دارد که سمت آنها پرستاری، رخت‌شویی و کهنه‌شویی بوده است. بیمارداران مرد مواجبی دریافت می‌کردند که عبارت بود از حقوق سالیانه، اعم از نقدی و جنسی؛ حقوق نقدی آنها یک تومان و ۲۵۰۰ دینار و مواجب جنسی ایشان دوازده خروار غله مناصفه بود، اما برای بیمارداران زن تنها مبلغ یک تومان ذکر شده است.^[34]

در سطور قبل، از مناصب و مشاغل زنان در دارالشفای سخنی به میان آوردیم، اما درباره "بیمارخانه زنان" مولف *مطلع‌الشمس* ضمن برشمردن خدمات *میرزاجعفر مشیرالدوله* در بنای دارالشفای به‌خصوص اختصاص بخشی از دارالشفای به زنان می‌نویسد: "عصداً الملک ... عازم طهران شد و مرحوم *میرزاجعفرخان مشیرالدوله* به‌جای او مامور شد و این در ماه ذی‌حجه سال ۱۲۷۷ بود. مرحوم *مشیرالدوله* در نظم امور خاصه در ضیافت زوار و علما و شام خدام مساعی جمیله نمود، و دارالشفای سابق را که در جنب مسجد جامع [بود] متروک داشت و در خیابان علیا متصل به باغ وقفی سرکار فیض‌آثار، مریض‌خانه بنا نمود که جای مردان مریض از زنان جدا و همچنین حجرات صاحبان امراض مسریه مفروز بود و چون این بنا در حیات مشیرالدوله تمام نشد، به‌موجب وصیت او، فرزند او از مال خاصه آن مرحوم آن را به انجام رسانید"^[35].

با اینکه مریض‌خانه دولتی نخست در سال ۱۲۹۰ قمری در تهران دایر شد، تا پس از جنگ جهانی اول هم بخش جداگانه‌ای برای بیماران زن یا بیماران مجزاشدنی در این مریض‌خانه وجود نداشت.^[35] دکتر *میرزاجعفرخان میراعلم* در سال ۱۳۳۶ قمری که رییس مجلس حفظ‌الصحه دولتی بود، به قصد زیارت آستان مبارک حضرت ثامن‌الائمه^(ع) و سرکشی به موسسات صحتی و بهداشتی، راهی مشهد شد. او وضع دارالشفای را اسفناک مشاهده کرد و در این رابطه می‌نویسد: "... در عوض ترقی، امور دارالشفای رو به انحطاط گذارده و در سایه لاقیدی عموم در سنوات اخیر کارش به جایی رسیده که از نقطه‌نظر طبی نام خود را از دست داده و به‌جای تسمیه دارالشفای، سزاوار عنوان دارالامراض شده"^[2].

میراعلم درصد اصلاح برمی‌آید، اما به‌جای مساعدت، با مخالفت دست‌اندرکاران آستان قدس مواجه می‌شود. سرانجام با پشتیبانی رییس‌الوزرای وقت، حسن وثوق‌الدوله که پدرزنش بود، در کمال جدیت فعالیت خود را آغاز می‌کند. متولیان آستانه در حالی که عایدات دارالشفای از محصول نقدی و جنسی املاک موقوفه تأمین می‌شد، نه‌تنها مساعدت نمی‌کنند بلکه از تادیه عواید موقوفه نیز برای تعمیر دارالشفای خودداری می‌نمایند. *میراعلم* می‌نویسد: "مستاجران املاک مذکوره هیچ‌گاه در خیال نبوده‌اند که مال‌الاجاره

را باید به دارالشفای برسانند، وقتی زمان تادیه می‌رسید، عایدات دچار سه بلیه می‌شد که از مقدار حقیقی آن به طور دهشتناکی کاسته می‌شد و بیشتر به مصارف؛ اول: مواجب شخصی، دوم: خرید قبوض حقوق مری، سوم: خرج قنوات، هر یک از این آفات ثلاثه قسمتی از حقوق مرضا را از میان می‌برد"^[2]. مشاهده این اوضاع ناپسامان، *میراعلم* را به فکر وامی‌دارد تا وضعیت دارالشفای را از طریق وزارت دربار به *احمدشاه* گزارش نماید، پس از آن ماموریت می‌یابد که اصلاحات اساسی در دارالشفای به‌وجود آورد و عایدات موقوفات آن را مطابق وقف واقفین گرداند. گرچه دارالشفای در ابتدای تاسیس خود فقط برای معالجه مرضای فقیر، به‌شکل زنانه و مردانه بنا شده بود ولی تصمیم بر آن شد که بعدها مجانین نیز بدان افزوده شوند. به همین منظور اداره دارالشفای از موقوفات خارج شهر، یک باب ساختمان برای دارالمجانین تقاضا کرد و تولیت آن را نیز پذیرفت. دکتر *میراعلم* درصد بود بخش مردانه و زنانه دارالشفای را کاملاً از هم مجزا نماید و برای اداره بخش زنان در فکر تربیت کادر طبی زنانه بود؛ به قول خود او: "برای شعبه اخیر در فکر خواستن طبیبه و جراحه و قابله هستم که از نقطه‌نظر معالجات نیز از قسمت مردانه جدا بماند و شاید بتوانیم بدین وسیله طبیبه یا لاقبله‌های قابله و عالمه تربیت نماییم و از تلفات هولناک زنان "بارنهاده" و اطفال و نوزاد حتی‌الامکان جلوگیری کنیم و اگر بخواهیم به‌خاطر آوریم که در مملکت ما صدی ۳۰ الی ۵۰ از زنان حامله در وقت زایمان زندگانی را بدرود می‌گویند و اکثر اطفالشان نیز تلف می‌شود به‌خوبی معلوم خواهد شد که نظریه اخیر ما تا چه اندازه دارای اهمیت است"^[2]. سپس دکتر *میراعلم* برای تکمیل دارالشفای آستان قدس رضوی علاوه بر سامان‌دادن به عایدات موقوفات، برای تکمیل بنای دارالشفای مبادرت به دریافت اعانه نمود و قریب به ۲۸۰۰ تومان نقد جمع‌آوری کرد که تقریباً ۲۰۰۰ تومان آن برای کمک در بنایی به مصرف رسید و ۴۰۰ تومان نیز آلات جراحی اکتیاف شد و ۳۰۰ تومان و کسری، برای تهیه تخت‌خواب‌های آهنی به مصرف رسید. بدین طریق ساختمان دارالشفای مبارکه در جنوب شرقی خیابان نادری، جنب کوچه ملک در دو طبقه و به مساحت ۳۵۰ متر مربع، و با مساحت کل دارالشفای در ۸۵۰ متر مربع بنا شد.^[2]

دارالشفای و بیمارستان امام‌رضا^(ع)

وضع ناپسامان و محقرانه دارالشفای در مقایسه با مریض‌خانه ینگی دنیا در مشهد، باعث ناخشنودی بود^[36]؛ تا اینکه در سفر اول *رضاشاه* به مشهد، دستور بنای بیمارستانی صادر شد. *حاجی‌بی‌بی*، همسر *حاج میرزا یحیی*، رییس مهمان‌سرای حضرتی، دو باغ وسیع با عمارت مسکونی عالی، در دو انتهای شهر داشت؛ یکی مسما به نام باغ فردوس، در حومه جنوب شرقی شهر و دیگری به نام باغ هشت‌آباد (هشت‌آباد)، در مجاور دروازه بالاخیابان. وسعت این باغ به قدری بود که از سوی شمال و مغرب به انحنای خندق و باروی شهر محدود می‌شد و ضلع جنوبی باغ، پشت منازل و دکان‌های حاشیه بالای خیابان قرار می‌گرفت. سراسر منطقه شرقی آن عین باغ‌های انگوری حومه شهر "جوبه جوبه" بود. قطعه کم‌درخت‌تر آن را هم، مانند حیاط‌های درون شهر، سبزیجات و هندوانه و خربزه می‌کاشتند^[37]. *حاجی‌بی‌بی* به قصد قربت، تمام باغ هشت‌آباد را در اختیار دارالشفای گذاشت. بعد از انتقال دارالشفای به باغ هشت‌آباد، عمارت اندرونی به اسم "بیمارستان نسوان" نام‌گذاری شد. با گذشت ایام و توسعه تشکیلات درمانی، ازدیاد اطبای تحصیل‌کرده و تجهیزات طبی و جراحی، باغ هشت‌آباد به بزرگ‌ترین بیمارستان شهر مبدل شد^[37]. *محمدولی اسدی* که از سال ۱۳۰۵ شمسی تا

کمیت، یکی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین موقوفات جهان اسلام است. همچنین این موقوفات از لحاظ کیفی شامل اراضی مسکونی، مستغلات و مراکز تجاری، باغات و کارخانجات تولیدی، اقتصادی و صنعتی می‌شود که در سالیان متمادی وقف روضه رضویه شده است. هر یک از این موقوفه‌ها شامل تعداد زیادی رقبه است و برای مصارف بعضی از این رقبه‌ها به تصریح آمده است: "جهت بیماران دارالشفای حضرت، اغذیه و ادویه تهیه شود، برای دارو و درمان مریض‌های مستمند، تعمیر بیمارستان، اغذیه و ادویه مناسب برای زایران بیمار، ایجاد حمام برای بیمارانی که از ورود به حمام‌های عمومی ممنوع هستند، مادران باردار، صرف شیرخوارگاه، درمانگاه، آموزش و درمان و تاسیس دارالایتام شود"^[40].

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: علی کریمیان (نویسنده اول)، همه موارد مربوط به مقاله توسط ایشان انجام شده است (۱۰۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

منابع

- 1- Fazel Hashemi SM. Hospital and Dar al-Shafa in the holy shrine of Razavi in the historical mirror. Electronic J Libraries Museums Doc Cent Astan Quds Razavi (Shamseh). 2010;2(7-8):1-23. [Persian]
- 2- Tashayod AA. Javid Armaghan, or life of the nestes of Dr. Alam A, translator. Teharn: Magazine of Islamic History; 1961. p. 61. [Persian]
- 3- Tajbakhsh H. History of Iran's Hospital (from beginning to today). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies; 2000. p. 248. [Persian]
- 4- Savory R. Iran under the Safavids. Saba A, translator. Tehran: Tehran book; 1984. p. 61. [Persian]
- 5- Soozanchi kashani A. Razavi Guest house from Safavid to Ghajar Period (Volume I). Mashhad: Organization of Libraries Museums and Razavi Qods Documents; 2002. p. 199. [Persian]
- 6- National library and archives of Iran. Accession No. 23525. Tehran: National library and archives of Iran; 2002. p. 73. [Persian]
- 7- Daneshpazhooh M. Dastoor Al Molouk Mirza Rafia. J Literature Human Tehran Univ. 1969;16:(69-70):540-64. [Persian]
- 8- Daneshpazhooh M. Dastoor Al Molouk Mirza Rafia va Tazkarat Al Moluok e Mirza Samiea. J Literature Human Tehran Univ. 1968;16:(63-64):475-504. [Persian]
- 9- Dehkoda A. Dehkoda Dictionary (Volume I). Tehran: Tehran University ress; 1994. p. 94. [Persian]
- 10- Lambton A.K.S. Landlord and peasant in Persia. Amir M, translator. Tehran: Scientific and Cultural Company; 1960. p. 746. [Persian]
- 11- Mostowfi Hamedani H. The face of the sacred endowment Astan Moggaddas Samen Alaemah Ali Ibn Musa al Reza. Mashhad: Anonymous Publisher; 1938. [Persian]
- 12- Jafari Langeroudi M. Terminology of law. Tehran: Ibn Sina Publication; 1967. p. 406. [Persian]
- 13- Etemad al Saltaneh M. Matla Al Shams. Borhan Limoudehi T, Hassankhani M, editors. Matla Al Shams: The history of sacred Mashhad, in the history and geography of the famous places of Khorasan. Tehran: Farhangsarsa Publication; 1983. pp. 522-3. [Persian]

پیش از آن که در درگیری‌های موسوم به "قیام گوهرشاد" در سال ۱۳۱۴ شمسی، دستگیر و اعدام شود، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود^[38]. با کوشش و پشتکار او در این دوره، علاوه بر بسط و توسعه دارالشفای حضرتی در قیاس با مریض‌خانه ینگی دنیا، نقشه بنای عظیم یک دارالشفای (بیمارستان امام‌رضا امروزی) در اراضی زراعتی الندشت پیاده شد (تصویر ۲).



تصویر ۲) بیمارستان امام رضا

ساخت این دارالشفای با مساحت ۲۱۷۹۰۰ متر مربع با شتاب آغاز شد. در سال ۱۳۱۴ شمسی، خبر ورود قریب‌الوقوع شاه به مشهد، باعث شدت یافتن عملیات نوسازی بیمارستان شد و با افتتاح بیمارستان نوین، دارالشفای حضرتی از باغ هشت‌آباد به محل نوسازی شده انتقال یافت^[37]. نخست این بیمارستان با ۱۰۰ تخت شروع به کار کرد و با مرور زمان توسعه یافت. در سال‌های بعد آستان قدس رضوی با هدف پیشرفت علم پزشکی، به‌ویژه در بخش جراحی بیمارستان، اقدام به استخدام پزشکان خارجی کرد. ابتدا یک پروفیسور از اتباع آلمان، با نام هاسر شلاک را که متخصص زنان و زایمان بود، به‌عنوان دومین رییس بیمارستان به خدمت درآورد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ شمسی از نفوذ آلمان‌ها در بیمارستان شاه‌رضا کاسته شد و متعاقب آن دکتر باروخ اهل چک به‌همراه همسرش، در بخش جراحی و پروفیسور بوتارو فرانسوی در بخش جراحی، جایگزین آلمان‌ها شدند^[1]. غیر از اطباء، تعدادی پرستار فرانسوی نیز در جذام‌خانه مشهد در قلعه محرابخانه به خدمت مشغول بودند. در رابطه با این جذام‌خانه، سندی مربوط به زمان تولیت صدرالممالک به‌سال ۱۳۲۸ وجود دارد؛ در این سند در خصوص انتقال مجذومین به قلعه محرابخان آمده است: "مجذومین به‌واسطه آن که امراض آنها مسری است، محل آنها در قلعه محرابخان خارج شهر است و به آنها نان [و] خورش داده می‌شود. مخارج آنها سابقاً کم بود، بنده زیاد نمودم، مواظبت آنها هم با جناب حاج ملا غلامحسین، خادم آستانه است که مرد متدین امینی است. خود او هرگاهی سرکشی می‌نماید. اخیراً به آنها پوستین داده می‌شود که سرما نخورند، حمام نداشتند، در هذ السنه برای آنها حمام ساختم... در هر حال به آنها بد نمی‌گذرد"^[39].

آستان قدس رضوی تا سال‌های بعد، به‌منظور به‌کارگیری طب نوین و تجهیزات جدید پزشکی، تلاش‌های پیگیر و ارزنده‌ای انجام داده است. علاوه بر طب و طبابت، از سال ۱۳۱۶ شمسی، آموزشگاه پرستاری زیر نظر پرستاران خارجی در این بیمارستان تشکیل شد تا اینکه در سال ۱۳۲۰ شمسی، آن را به پرستاران ایرانی واگذار کردند^[1]. تا امروز در آستان قدس رضوی بیش از ۱۰۴۸ فقره احکام شرعی، صلح حقوق، وصیت‌نامه و طومار وجود دارد که از نظر

- Tehran: Asatir Publication; 1995. p. 45. [Persian]
- 27- Anonymous Writer. Iran newspaper. Tehran. 1885; 4 January. NO. 574. p. 3. [Persian]
- 28- Yate CE. Khurasan and Sistan. Tehran: Yazdan Publication; 1977. P. 321. [Persian]
- 29- Taherniya B. Mashhad from the tourists' view from 1600-1914. Mashhad: Astan Qods Razavi Publication; 1997. p. 204. [Persian]
- 30- Anonymous Writer. Adab newspaper: Tehran. 1902; 6 January. NO. 18. pp. 41-2. [Persian]
- 31- Foyoozat M. Statement by Mr. Foyoozat: Head of the office of the endowment on endowments. Tehran: Talim va Tarbiat. 1936; 91:128-36. [Persian]
- 32- Salimifar M. A look at Waqf and its economic and social effects. Mashhad: Astan Qods Razavi, Islamic Research Foundation; 1391. p. 90. [Persian]
- 33- Karimaiyan A. Astan Qods Razavi foundation after mashroote revolution. Mashhad: Organization of Libraries Museums and Razavi Qods Documents; 2002. p. 41. [Persian]
- 34- Shahidi H. A Look at traditional medicine in the Dar ul Shafi Astan Qods Razavi in the Safavid age (Review of the seven days of the documents of the Darwāla Shafa). Ganjineh Asnad. 2009; 75(22):63-84. [Persian]
- 35- Tehran University Of Medical Sciences. Sina hospital in history. Tehran: Teymoorzadeh Publication; 1999. p. 16. [Persian]
- 36- Mofakham Payan L. Mashhad city guide. Mashhad: The geological society (geographic) of Khorasan; 1966. pp. 46-7. [Persian]
- 37- Baghiei GH. Mirdamad grave (View from old Mashhad). Tehran: Gutenberg Publication; 1994. pp. 124-6. [Persian]
- 38- Karimian A. Asadi house and Goharshad Ghiyam. Shilan Publication; 2010. pp. 204-8. [Persian]
- 39- National library and archives of Iran. Accession No. 293001905. Tehran: National library and archives of Iran. [Persian]
- 40- Karimian A. Astan Qods Razavi in documents. Mah Tarikh va Joghraphiya. 2008;(125):86-96. [Persian]
- 14- Sabetniya A, Soozanchi kashani A. Presentation of Shrine documents and associated places in the Qajar period. Mashhad: Organization of libraries museums and Razavi Qods documents; 2002. p. 123. [Persian]
- 15- Bastami N. Ferdows al tavarikh. Tabriz: lithography; 1897. [Persian]
- 16- Karimian A. Permanent memories: Astan Qods dar al Shafa narrates the documents. Moon History Geography Book. 2008; 125:86-99. [Persian]
- 17- Mirza Jafar Khan Mohandesbashi (Mushir Al douleh). Treatise on research on the crossroad. Tehran: Institute Culture of Iran Foundation Publication; 1969. pp. 14-5. [Persian]
- 18- Mahdi V. Story of the Nawab Toluity of the magnificent Astan Qods Razavi. Namehaye Astan Qods. 1965;(21):86-95. [Persian]
- 19- Ghasemi SF. Orduye Homayouni newspaper. Tehran: Cultural heritage organization. 2000. P. 52. [Persian]
- 20- Hakim Al Mamalek A. Khorasan travel newspaper. In: Afshar I, editor. Khorasan travel newspaper Nasser e Din Shah. Tehran: Farhang e Iran Zamin. 1977. p. 259. [Persian]
- 21- Azad Al Douleh A. Azadi histoty. In: Navaei A, editor. History of the life of Al Imam Abolhassan Ali Ibn Musa al Reza, Mashhad. Tehran: Mahvan Publication; 2000. p. 148. [Persian]
- 22- Seyf Al Doleh M. Seyf Al Doleh travelogue. In: Khodaparast AA, editor. Seyf Al Doleh travelogue. Tehran: Ney Publication; 1985. p. 318. [Persian]
- 23- Sayyah Mahalati MA. Memories of Hajj Sayyah. In: Sayyah H, Golkar S, editor. Memories of Hajj Sayyah. Tehran: Amirkabir Publication; 1980. pp. 132-3. [Persian]
- 24- Naser a Din Shah. Second travelogue of Khorasan. Tehran: Kavosh Va Shabtab Publication; 1984. Pp. 139-40. [Persian]
- 25- Anonymous Writer. Orduye Homayoon newspaper. Tehran. 1883; 12 January. NO. 8. [Persian]
- 26- Aminlashgar MGh. Khorasan trip newspaper with Naser Al Din Shah. In: Afshar I, Daryrgasht MR, editors. Khorasan trip newspaper with Naser Al Din Shah.